



بسمه تعالی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

نمایندگی قم

نشست علمی

کتاب رضوی در آینه پژوهش

سخنرانان

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد علی مهدوی راد

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مهدی مهریزی

زمان:

پنجشنبه ۹۸/۴/۲۰ ساعت ۱۰ صبح

مکان:

سالن شیخ طوسی بنیاد پژوهش‌های اسلامی - نمایندگی قم

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

(دبیر علمی)

سلام و صلوات خدا به پیشگاه امام رئوف حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) و با عرض سلام و خیر مقدم خدمت اساتید محترم و شرکت کنندگان گرامی. ایام با سعادت دهه‌ی کرامت و میلاد کریمه‌ی اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه(س) و ولادت با سعادت حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) را خدمت یکایک شما گرامیان، اساتید محترم، دانشوران و فرهیختگان ارجمندی که در این جلسه حضور دارند، تبریک عرض می‌کنیم.

در سایه‌ی توجهات حضرت ولی عصر(عج) و در ظلّ عنایات امام علی ابن موسی الرضا(ع)، چهارمین برنامه از جشنواره علمی سیره امام رضا، آموزه‌ها و کارکردها با گستره ملی را آغاز می‌کنیم. این برنامه از این جشنواره ملی، نشست علمی کتاب رضوی در آینه پژوهش است.

امروز در خدمت دو تن از اساتید محترم و نام آشنای عرصه کتاب و پژوهش جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر مهدوی راد و جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر مهدی مهریزی هستیم. از حضور سروران عزیز اساتید گرانقدر تشکر می‌کنیم. بنیاد پژوهشهای اسلامی صدها کتاب در کارنامه نشر خود دارد که بیش از صد عنوان از این آثار، با موضوع امام رضا(ع) است که در نشست امروز به نقد و بررسی برخی از این آثار می‌پردازیم. از اساتید بزرگوار دعوت می‌کنیم که مطالب خودشان را ارائه کنند.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد علی مهدوی راد

(سخنران اول)

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. انه خير الناصر و معين. ۸ عنوان کتاب، به غیر از احادیث فقهی یا فقه الاحادیث در دست من بود. که ظاهراً دو عنوان با کتابهای استاد تکراری است. نخست از کتابهای غیرتکراری صحبت می‌کنم. یکی از این کتابها، یک متن تقریباً کهن است. تصحیح شده است. برخی از شرح عیون اخبار رضا است. دیگر کتابها تالیفی هستند. از میان این مجموعه، به نظرم از بهترین‌شان شروع

می‌کنم که کتابی جدی است. دوستان عزیز می‌شنوند، به آن مراجعه و استفاده کنند. این کتاب قابل توجه است، بر اساس آنچه که روی جلد نوشته شده است، چاپ چهارم است و در مدت کوتاهی به این چاپ رسیده است. با اینکه کتاب عربی است و کتاب عربی در ایران خیلی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. عنوان کتاب: «الامام الرضا(ع) عند اهل السنة» است. نویسنده آن جناب آقای محمد محسن طبسی، که روی جلد نوشته شده؛ الشیخ محمد محسن الطبسی، فرزند حضرت آیت الله نجم الدین طبسی است که هم والدشان بر آن مقدمه نوشته‌اند و هم ایشان از والدشان تشکر کرده‌اند که کتاب مربوط به حضرت رضا(ع) را نوشته‌اند و نکاتی هم گفته‌اند. آقای طبسی، خودشان اهل قلم و پژوهش هستند و آثار بسیار خوبی دارند. من به ایشان برای چنین فرزند محقق و خوش فهمی تبریک می‌گویم که ایشان متولد دهه ۶۰ هستند. کتاب، کتاب خیلی جدی است و مجموعه میراث اهل سنت را درباره حضرت رضا(ع) تحقیق و تحلیل کرده و هیچ موضوعی را باری به هر جهت نگفته‌اند. پیشینه بحث را گفته‌اند که اینجا تذکر بدهم که عملاً پیشینه کار ایشان نیست. کار مستقل این چنینی اصلاً انجام نشده است. خود ایشان بحث را در چند فصل سامان داده‌اند. یکی زندگانی امام رضا(ع)، شخصیت امام رضا(ع)، روایات، امامت، ولایت عهد، کرامت و زیارت و آخر هم بحثی درباره واژه امامت و بحث مرتبط با آن در اصطلاحات اهل سنت است. یک مورد را اندکی توضیح دهم.

عرض کنم که همه موارد از همین سبک است. مسئله ورود امام رضا(ع) به نیشابور و آن روایت بسیار معروف سلسله الذهب را به دو بخش تقسیم می‌کند. بخش حسن و بخش ادامه آن ولایت، و نشان می‌دهد که در بخش قابل توجهی از منابع اهل سنت بنا به شرط و شروطها ذیل نیامده است. این بحث را خیلی خوب پیگیری کرده‌اند و نشان داده‌اند که برخی از عالمان اهل سنت تلاش کرده‌اند که به نحوی برای مسئله مشکل ایجاد کنند و بگویند صحّت ندارد و مهم ترین کاری که کرده‌اند، همگونی و تنبه کرده‌اند که جالب توجه است. با اینکه حاضران در غدیر انبوهی از انسان‌ها بودند، اما طرقی که مانده است، بسیار کم است. مرحوم طباطبایی (ره) نوشته بودند، حاضرین کثیر و راوون قلیل؛ آدم‌های بسیار زیادی که کم کسانی نقل کردند. ۴ هزار، ۸ هزار، ۱۲ هزار نقل کردند که در آن جمعیت جمع شدند. بالاخره آنی که الآن مانده است به اباضیت برمی‌گردد. و تلاش کردند که به نحوی اباضیت را تضعیف کنند و ایشان بحث بسیار عالمانه و محققانه‌ای در توثیق اباضیت در نگاه رجالیان و راویان اهل سنت کرده است. روایت را دو بخش کرده و هر دو بخش را جدا جدا بحث کرده و هم در منابع اهل سنت و هم منابع اهل شیعہ نشان داده که ذیل هم همراه صدر روایت بوده است. یک نقل دیگر را هم آورده است. بخش‌های دیگر هم به همین سبک است.

یعنی هر بخشی را که وارد شده‌اند به صورت قرنی، از همان ریشه که این مطلب نقل شده است گرفته‌اند و تا به زمان حال آمده‌اند و تحقیق و تأمل کرده‌اند. به دلیل کمبود وقت، نمی‌توانیم بیشتر از این بحث کنیم. به نظرم این یکی از بهترین کتابهایی است که بنیاد به چاپ رسانده است. دوست دارم این کتاب به فارسی هم ترجمه شود، گرچه خیلی تخصصی است و شاید برای فارسی زبان عام خیلی کارآیی نداشته باشد و غیرعام هم که می‌تواند نسخه عربی را بخواند. اما کتاب بسیار دقیق و خواندنی و قابل توجه است.

کتاب بعدی که سال‌ها قبل چاپ شده و من هم خیلی قبل آن را خواندم و کتاب قابل توجهی است. علماء و فضلاء توجه کنید، قبلاً هم برخی از اساتید به این نکته توجه کرده‌اند. مرحوم استاد علامه بسیاردان، دکتر عبدالحسین زرین کوب(ره) در مقدمه آن کتاب عمومی که برای مولوی نوشته؛ پله پله تا ملاقات با خدا، نوشته است که: کسی برای من نامه نوشت که حضرت آقای فلان، شما علما برای علما می‌نویسید و گویا ما در این دنیا وجود نداریم، کتاب محققانه می‌نویسید و فقط محققان می‌خوانند، ما اینجا چه کاره هستیم؟ بعد از چند کتاب سنگین مانند «سرّ نی»، «بحر در کوزه» دربارهٔ مثنوی، آن نردبان آسمان که دزدیده شد و با باقی مانده هایش نردبان شکسته را درست کرد، کتاب «پله پله تا خدا» را نوشت. که این کتاب ارجاع دارد یا ندارد؟ یعنی کتاب داستان مولوی را داستان گونه نوشته است و در پایان می‌نویسد این فصل متکی بر این منابع است و هر کلمه را ارجاع نداده است. گمان می‌کنم که این کتاب، چاپش از پنجاه هم گذشته است. در زندگانی ائمه، چه معارف ائمه و چه بحث‌های اخلاقی، گاهی آثارمان یا خیلی ضعیف و یا خیلی قوی است. حدّ متوسطی وجود ندارد. مخاطب متوسط الحال را فراموش کرده‌ایم. این کار، یکی از کارهای خوب برای مخاطب متوسط الحال است. یعنی زندگانی، سیره، سخنان، آموزه‌ها و مشاهیر حرم رضوی، همهٔ این چند بحث را در این کتاب گردآورده‌اند که به ۴۰۰ صفحه می‌رسد. کتاب بسیار خوبی است. البته بنیاد، یکی دو کار به همین شکل هم دارد. دربارهٔ امام سجاده(ع) و امام باقر(ع) تا آنجایی که خاطر هست، گروه سیره و تاریخ مطالب را آماده می‌کنند و یک نفر هم قلم می‌زند. آن یکی دو را آقای احمد ترابی که قلم بسیار خوبی دارند، نوشته بود، حال نمی‌دانم این قلم چه کسی است. ذکر نشده بود.

کتاب آموزنده و خواندنی و دقیق و حتی بخش کرامت بدون خرافات است. کار خوبی که شده این است که در بخش کلمات، کلمات عربی را هم آورده‌اند. فصل قابل توجهی، کلمات امام رضا است که هم متن عربی را آورده‌اند و هم ترجمهٔ خیلی خوبی کرده‌اند.

نام کتاب: امام علی ابن موسی الرضا(ع)، زندگی و سیره، سخنان و آموزه ها، مشهد و حریم رضوی است. عیون اخبار الرضا، کتاب خیلی مهمی است. آثار صدوق(ره) هم آثار مفید و سودمندی است. روزی خدمت آقای غفاری، محدث امین و دقیق و اصیل، خدا رحمتشان کند، گفتم چرا انقدر به صدوق علاقه داری؟ زیرا نام کتاب فروشی شان را هم «مکتبۀ الصدوق» گذاشته بودند و نشرشان هم «نشر صدوق» بود. و تقریباً تمام آثار صدوق را بررسی کرده‌اند. گفتند خیلی این شیخ خوش فکر است و خیلی آثارشان به سامان است. از جمله کارهای خیلی خوب ایشان، عیون اخبار الرضا است که متأسفانه شرح هایش محققانه و تحقیقی چاپ نشده است. یکی از شرح‌ها این است:

زلال العیون، بخش کوچکی از عیون اخبار الرضا است. واقعاً بعضی از بخش هایش، به این سادگی قابل شرح نیست. مخصوصاً بحث‌های گفتگوی امام(ع) با ادیان و مذاهب مختلف، لذا وقتی هم که خود ایشان شروع کرده‌اند، یکی از این گفتگوها را شروع کرده و در آخر هم گفتند که متوجه شدم به این سادگی نمی‌شود و کار را ناتمام گذاشتم و لذا بخشی از آن است. آقای ابراهیم عرب پور که این را تحقیق کرده است، واقعاً باید از این تحقیق احساس تأسف کنم، زیرا آقای عرب پور اهل بخیه هستند، کار به سامان کم انجام نداده‌اند، از جمله مجالس المومنین را ایشان تحقیق کرده‌اند و تحقیق بسیار خوبی انجام داده‌اند. مجالس المؤمنین از قاضی نورالله نسخه زیاد دارد، اما نسخه درست و حسابی ندارد. آن قدر این نسخه مجالس المؤمنین مغلوط و بی ربط است که جایی نوشته بود که: خدا یک نسخه خوبی را به من روزی کرده که هر وقت می‌خواهم از آن نقل کنم، با آن مقابله می‌کنم و بعد نقل می‌کنم. اما متأسفانه این کتاب خیلی باری به هر جهت است. اول اینکه قریب به اتفاق موارد را تخریب به منابع نکرده است. بعضی جاها را انجام داده است و بعضی جاها را انجام نداده است. بعضی از جاها خیلی احاله به مجهول است. بعضی موارد نوشته قصص الانبیاء، قصص العلماء، حُب کجای قصص الانبیاء است؟ بعضی موارد هم به جای یک منبع، ۸ منبع داده است. مانند صفحه ۱۸۰ برای یک مورد، درست صفحه قبل ۳ مطلب دارد که هیچ کدام را ارجاع نداده است. سبک واحدی ندارد. مقدمه‌ای که ایشان نوشته‌اند هم به درد بخور نیست. محافل المؤمنین دارد که خود این آقایان تصحیح کرده‌اند. این مؤلف؛ سید محمدحسین شفیع حسینی عاملی قزوینی این کتاب را نوشته، کتابی به عنوان محافل المؤمنین دارد که این آقایان تصحیح کرده‌اند. متأسفانه در دسترس نبود که ببینم آنجا شرح حال مفصلی برایش نوشته‌اند یا خیر. اگر هم نوشته باشند، باید ارجاع می‌داد.

نگفته است که شرح حال ایشان را قبلاً نوشته ایم یا نوشته‌ایم. کمی حرف‌های غلوآمیز درمورد ایشان است که آدم خیلی فاضلی هستند اما اینکه اینها را برچه اساسی می‌گوید، معلوم نیست. مقدمه، مقدمه به سامانی

نیست. متن دو نسخه دارد که نسخه‌ها را نداشتم مقابله کنم و ببینم چگونه است. کتاب، نثر همان نثر صفوی است که با همان حالت است، دقیق است و مطالبش خوب است، شرحش هم واقعاً شرح استواری است، متن خیلی به ارجاع دارد اما اسم کتابها را می‌برد، اینگونه نیست که ایشان سختشان بوده باشد. در نهج البلاغه، در مجمع البیان آمده است، هرچند که برخی موارد هم می‌گوید که در متون کهن اینگونه نقل شده است، بعنوان مثال در عالی ترین مورد، اما آنچه از کتاب توحید شیخ صدوق و عیون اخبار الرضا و بعضی آثار اسم هایشان را در متن گفته است. این به خودش برمی‌گردد، اما آنچه که به بنیاد برمی‌گردد، بد حروف چینی این کتاب است.

بالاخره این متن و ترجمه و شرح دارد. همه با یک نوع قلم است و شما نمی‌دانید کجا شرح و کجا ترجمه است. خیلی خردمندانه این بود که متن عربی و ترجمه و شرح با نوع قلم تفکیک می‌شد. مقدمه مفصلی که خود مؤلف دارد معلوم نیست که در کجا از متن جدا می‌شود. بهر حال با اینکه بخشی از گفتگوی امام با مذاهب و ملل است، خیلی متن خوبی است، نثر صفوی و نثر دشواری است. متن کتاب هم خوب است. اما فکر می‌کنم با تمام شیرینی که آن دو کتاب در ذائقه ایجاد می‌کرد، این ذائقه را تلخ می‌کنم. اما تخصصی است، شاید ده نفر به این کتاب مراجعه کنند، شاید هم نکنند.

کاری که بنیاد انجام داده و بنظرم کار خوبی است و کاش دوباره هم انجام بدهند. نوع کارهای پژوهشی درست و به سامان را از جاهای دیگر یاد می‌گیریم که البته اشکال هم ندارد، کار جمعی، کار مهمی است. خیلی اینها نمونه دارد. تاریخ فلسفه در ایران با افتخار حضرات ترجمه کرده‌اند و یکی از اساتید که در هاروارد است، به من می‌گفت که این موظفی اساتید آنجا است که هر ترم موظف شده و یک مقاله نوشته‌اند و مجموعه اش تاریخ فلسفه اسلامی شده است که در ایران هم در چهار جلد ترجمه شده است. اینها کارهای خیلی خوبی است. تصور کنید در دانشگاه‌ها، هر گروهی یک موضوعی را طراحی کنند و بدون دغدغه و آرام با پژوهش جدی، بعد از ده سال می‌بینید که هر دانشگاه ۳۰ کتاب درست و حسابی تولید کرده‌اند.

عنوانش: امام علی ابن موسی الرضا(ع) محور وحدت و کرامت است. مجموعه مقالات است. بنظرم تقریباً تمام مقالات خوب هستند. خواندنی و مفید است. مخصوصاً بر دو مقاله تأکید می‌کنم، یکی از آنها با اینکه نامش سخنرانی است، اما قاعده اش معلوم است که نوشته و سخنرانی کرده است. آقای مولوی احمد صارمی که مدرس و مدیر یکی از مدارس علمی اهل سنت در تربت جام است. جایگاه اهل بیت از منظر مذاهب اسلامی است، بسیار همدلانه، از سر عشق و محبت، خردمندانه و عاقلانه است. متن، خیلی استوار است. از

ارجاعات مشخص است که آقا اهل مطالعه هستند. هم منابع شیعه و هم منابع اهل سنت را آورده‌اند. مقاله دیگر هم از فضیلت اهل سنت دارد. ای کاش بیشتر از آنها دعوت می‌کردند که می‌نوشتند. عکس‌های جلسه را هم که در پایان گذاشته‌اند، افراد متعددی هستند اما ۳ نوشته بیشتر از آنان نیست که هر سه هم نوشته‌های بسیار خوبی است. عرض می‌کنم، تمام مقالات، مقالات خوبی هستند. مقاله حقیقت شیعه در نظر امام رضا(ع) و مواجهه امام رضا(ع) با جریان فکری عالیان که مقاله بسیار خوبی است. آن مقاله‌ای که می‌خواهم مشخصاً رویش تکیه کنم، مقاله «اهل بیت و امام رضا(ع) نماد وحدت و عطوفت از منظر شعراء و عرفا و اندیشمندان اهل سنت در بستر تاریخ» است. مقاله خیلی خوبی است که به دنبال آن هم «مجدد العاشقین» آقای محسن شرفایی است که آن هم مقاله بسیار خوبی است. مجموعه خواندنی و به سامانی است. دو کتاب مشترک بین من و حضرت استاد مهریزی است. واقعاً خرسند و خوشحال هستم. ما در حال پیر شدن هستیم، گاهی آثار این نسل جوان را می‌بینم که خوشحال کننده هستند. شاید حدود ۴، ۵ سال قبل جناب آقای محمدرضا ناجی، کتابی از ایشان در مؤسسه امیرکبیر با عنوان: فرهنگ و چی در دوره ساسانیان، نام دقیقش را فراموش کردم. این کتاب به قدری عالمانه و محققانه است که وقتی آن را خواندم، گفتم خدایا شکر که گویا هنوز هم می‌شود زرین کوبی به دنیا بیاید و هنوز هم می‌شود مانند او تحقیق کرد. علی بن موسی الرضا(ع) در انساب و تاریخ کتاب عالمانه و دقیق و پرمطلبی است. من آقای محمدحسن پاکدامن را نمی‌شناسم، اما کارشان خیلی تمیز است. علی ابن موسی الرضا در انساب و تاریخ است. دو سه موضوع را تنها با نگاه تاریخی بررسی کرده است. از جمله نام مادر امام رضا(ع)، سال ولادت امام رضا(ع)، القاب و کنیه‌های امام رضا(ع)، ازدواج‌های امام رضا(ع)، فرزندان امام رضا(ع) است. تنها به عنوان نمونه ببینید که بخش فرزندان امام رضا(ع) را مطالعه کنید، اطمینان پیدا می‌کنید که این بزرگوار با دقت صحبت می‌کند و با دقت می‌نویسد. منابع را کاملاً می‌بیند و باری به هر جهت نیست و رقیب را فراموش نمی‌کند. زیرا یکی از کارهای خیلی جالب محققان ما، فراموش کردن رقیب است. وقتی می‌بیند که در مقابل نظریه اش، نظریه‌ای وجود دارد به آرامی از آن عبور می‌کند. کتاب خشکی است، یعنی تاریخی است، گاهی متن سه چهار خط است و پاورقی دو سوم صفحه است، اما در مجموع کار خوب و خواندنی و مفیدی است. من به این آقای بزرگوار هم تبریک می‌گویم.

کتاب آخری، موضوعش، موضوع بسیار خوبی است. شاید اگر به مؤلفان جسارت نشود، اندکی کم گذاشته‌اند. اما موضوع، موضوع خیلی خوبی است. عنوان کتاب: ادیان خراسان در عصر امام رضا(ع) است. موضوع خیلی خوب است، زیرا میراث رضوی چه در گفتگوهایی که عیون اخبارالرضا و چه در جاهای دیگری آمده است،

خیلی ایما و اشاره به ادیان و مذاهب دارد و از این جهت برای فهم آن روایات و آن گفتگوها، شناخت این ادیان خیلی قابل توجه است. بنظر من هر دو بزرگوار در ابتدا بازه زمانی را خیلی دقیق نگفته‌اند. زمان را دقیق بررسی می‌کردند که حرفمان از این تاریخ تا این تاریخ است. بیشتر خود ادیان را بحث کرده‌اند تا اینکه بگویند این ادیان از کجا وارد خراسان شده‌اند. گفته شده است، اما اینکه چه طور وارد شده‌اند، چه شاخصه‌هایی داشتند. از منابعی هم که ارجاع داده‌اند، می‌توان گفت که خیلی هم دستشان خالی نبوده است. اما در مجموع، چون موضوع خیلی مؤثر در فهم سیره امام رضا(ع) است، کتاب، کتاب خوب و خواندنی است. از جناب آقای دکتر راد سپاسگزاری می‌کنم که وادارمان کرد در این چند روز، این همه کتاب را خواندیم. بنظرم کار خوبی است، در حد خودش کار محققانه‌ای است. دو بزرگوار نوشته‌اند. اما بنظرم جای این را داشت که بیشتر از این راجع به این موضوع کار کرد. شاید اگر بزرگواران خودشان حضور داشتند، می‌گفتند بیشتر از این منبع نداشتیم. کار تاریخی هم همیشه محققانه هم که باشد، تحقیق بر نقل، عقل بر نقل است، تاریخ را نمی‌توان ساخت. تاریخ موجود را می‌شود تحلیل کرد. اما گاهی می‌شود که به قول علماء کسی از قطر چیزهای مهمی را استخراج می‌کند، گاهی هم چیزهای موجود را درست و حسابی استخراج نمی‌کنند. این دوست همدانی مان اینگونه است، از جاهای خیلی خشک چیزهایی استخراج می‌کند. کار عظیم دکتر شیرین بیانی، تاریخ آل جرایم، همان زمان نوشتند که این کار، کار حیرت آوری است. اما کار اثرگذاری است. اینگونه مطالعات، پشتوانه مطالعات دیگری است که می‌تواند بسیار سودمند است. آخرین کتاب هم کتابچه کوچکی به نام «گفتمان جهانی تعالیم رضوی» است که اخلاقی و اجتماعی و خوب است.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

از جناب استاد حضرت مهدوی راد تشکر می‌کنیم که بسیار مستوفی به بحث پرداختند. از شرکت کنندگان محترم می‌خواهیم که اگر سوالی داشتند به صورت مکتوب سوالشان را ارائه کنند. اشاره می‌کنم که دو عنوان از کتابها بین اساتید محترم مشترک بود، کتاب «علی ابن موسی الرضا در انساب و تاریخ» و «کتاب ادیان خراسان در عصر امام رضا(ع)». از جناب استاد مهدی مهریزی دعوت می‌کنم مطالب خودشان را مطرح بفرمایند.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مهدی مهریزی

(سخنران دوم)

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله و به نستعين. دهه كرامت را تبريك مي‌گويم. در آستانه ولادت امام رضا(ع) هستيم. تبريك ولادت اين امام همام خدمت شما عزيزان.

از سخنان استاد بزرگوار، استاد مهدوي راد استفاده كرديم. واقعيت اين است كه استاد مهدوي راد، از محدود افرادی هستند كه با كتاب آشنا هستند و كتاب را مي‌شناسند و خوب به زير و بم كتابها اشراف دارند. حافظه ايشان هم نسبت به ماها، غيرطبيعي است. لذا آنچه كه مي‌بينند و مي‌خوانند به يادشان مي‌ماند. لذا جلسات ايشان بسيار مفيد و پربار است و نمونه اش را هم دوستانديدند و استفاده برديم. در ابتدا بحثم را به صورت كلي مي‌گويم و سپس وارد كتابها مي‌شوم و در آخر هم يك بحث كلي دارم.

بحث كلي اولم اين است كه كار نقدي كه بنياد شروع كرده است، خيلي خوب است. به شرطي كه اينها را به كار بگيرد. جايي جلسات نقد گذاشتند و بعد متولي ناراحت شد كه اينها چه هستند كه ايرادات را مي‌گويند. قاعدتاً اينجا اينگونه نيست و مطالبی كه گفته مي‌شود، در برنامه‌هاي بعدي به كار گرفته مي‌شود. ما همه دانش مان محدود است و يك نفر از ميان متفكران و انديشمندان هستيم. لذا نقد مي‌تواند هم افزايي كند. ان شاءالله كه به فال نيك گرفته مي‌شود و دوستاني كه در بنياد برسر كار هستند، اين موارد را مبنای كارهاي بعدي قرار مي‌دهند. البته كه من و استاد فهم و برداشت خودمان را مي‌گويم و ممكن است جاهایی را درست متوجه نشده باشيم.

نكته ديگري كه به نظرم در نقدها مي‌تواند مبنا باشد اين است؛ آستان قدس رضوي چهار بخش دارد كه كتاب را توليد مي‌كند. به گمانم اگر اين چهاربخش با هم يك برنامه كلاني داشته باشند، تقسيم كاري داشته باشند، برخي از ايرادهایی كه به ذهنمان مي‌رسد، خود به خود حل خواهد شد. آستان قدس يك دانشگاه رضوي دارد، كتاب درسي منتشر مي‌كند، مجله دارد، يك معاونت فرهنگي دارد كه كتابهایی براي عموم منتشر مي‌كند، كتابخانه هم فهرست كتب خطي را منتشر مي‌كند. وليكن اگر اينها حدود كار و اهدافشان مشخص باشد، خروجي هایشان متناسب با هدف باشد، يكسري از ايرادت پيش نمي‌آيد. به عنوان مثال به گمانم، ۱۰ كتابي كه ديدم، از اين ۱۰ كتاب ۴ را به عنوان خوب نوشته ام كه چندتا از نكاتم با نكات آقای دكتر مشترك بود. برخي ديگر را بايد معاونت فرهنگي چاپ كند. بعضي از كتابهایی كه ايشان معرفي كردند، همينطور است. فرمايشي هم كه ايشان از آقای مرحوم زرین كوب نقل كردند كه بايد عموم جامعه را هم در نظر بگيريم كار خوبي است. اما عموم جامعه را چه كسي متكفل است؟ خصوص جامعه را چه كسي متكفل است؟ بعنوان مثال، سازمان تبليغات چه كار مي‌كند و دفتر تبليغات چه كار مي‌كند؟ دفتر تبليغات يك

معاونت پژوهشی و یک معاونت فرهنگی دارد. کارهایشان نباید با هم یکی شود. معاونت پژوهشی که کارهای تخصصی انجام می‌دهد نباید کارهای عمومی انجام دهد. گرچه چه کار عمومی و چه کار تخصصی بایستی متقن و استوار باشد، حساب و کتاب داشته باشد. به نظرم بخشی از این موارد صورت گرفته است. تاریخ‌های نشر هم نشان می‌دهد که در دوران اخیر اتفاق افتاده است. بنیاد قبلاً کتابهایی را کار کرده و منتشر کرده که ماندگار است. ترجمه‌هایی که بنیاد اوائل شروع کرده بود و برخی از کارهای حجیمی که زیر نظر آقای واعظ زاده و جمع دیگری انجام شده، کارهای ماندگار است. اما بعضی از این کتابها، کتابهایی است که مربوط به حوزه معاونت فرهنگی می‌شود. لذا اولین حرفم این است که این چهاربخش آستان قدس که به تولید کتاب می‌پردازند، در حدی که از بیرون نگاه می‌کنم عرض می‌کنم، طوری وظایف و اهداف خودشان را تعریف کنند که خروجی‌هایشان متناسب با آن سازمان باشد. بنیاد بخشی از آستان قدس است، معاونت فرهنگی، کتابخانه و سازمان کتابخانه‌ها، دانشگاه علوم رضوی بخش‌های دیگر هستند. خروجی‌های این بخش‌ها بایستی متناسب با اهداف آن سازمان باشد. به گمانم بنیاد می‌خواهد کار پژوهشی به معنای خاص انجام دهد. الان هم که شرف گرفتن مجوز پژوهشکده هستند، بایستی در طرح‌هایی که انجام می‌دهند بیشتر رعایت شود. به خصوص محققانی خوبی که آنجا دارند و مستقر هستند. نوعاً هم کارهایی که خوب نیست، پایان‌نامه‌هایی بوده است که از بیرون گرفته‌اند و چاپ کرده‌اند. که این کار نیازی نیست. سازمانی که خودش محقق دارد و حضور دارد و موظف است و حقوق می‌گیرد، پایان‌نامه‌ها را بدهند «به نشر» چاپ کند، نه اینکه بنیاد چاپ کند. بعضی از مراکز اینطور هستند، کتابهایی که خودشان تولید می‌کنند با آرم خودشان و نشر خودشان است، برخی از کتابهایی که از بیرون می‌گیرند و فاصله دارد، انتشارات دیگری درست کرده‌اند و با آن منتشر می‌کنند. این نکته کلی است که به گمانم باید مورد توجه قرار بگیرد و در نقدهایم است. بخش انتهایی هم ارزیابی کلان و خلاهایی که به گمانم بایستی مورد پژوهش قرار بگیرند. از این ده عنوان کتابی که دیدم، ۴ عنوان بنظرم کتابهای خوب و قابل توجه است. دو عنوان، همین مواردی بود که استاد عزیز هم تحسین کردند. «علی ابن موسی الرضا در انساب و تاریخ» که کتابی مستند و تحلیلی است و حجمش هم کم است. منتهی این کتاب که ۲۰۰ است، از این ۲۰۰ صفحه، ۱۲۰ صفحه مطالب خوب است. حال بخشی شجره نامه، نمایه، منابع خوب است، اما در بخش ۱۵ صفحه‌ای است که بنظر می‌رسد می‌توان به گونه دیگری آورد. از صفحه ۴۵ تا ۶۰ که القاب است، کار علمی نشده است. زیارتنامه را آورده‌اند که می‌توانستند خیلی کوتاه‌تر این را انجام بدهند. حجم اضافه شده است. زیرا قبل و بعدش مطالب خوبی است، این ایراد به این کتاب وارد است. بحث انساب و تاریخ خوب است، ۱۵ صفحه‌ای که فقط القاب

است را می‌توانستند به صورت تیتروار در دو صفحه جای بدهند. قسمت اولاد که فرمودند، خیلی قشنگ بحث کرده، دیدگاه کسانی که می‌گویند امام یک فرزند داشته، دو فرزند داشته یا سه فرزند داشته، مستندات را آورده و در آخر هم خودش تحلیل کرده است. ایشان معتقد است که امام تک فرزندی نبوده است. کتاب دوم «ادیان خراسان در عصر امام رضا(ع)» است. منتهی مشکل دیگری که علاوه بر مشکلاتی که جناب دکتر فرمودند وجود دارد، عنوانش است. دو بخش دارد، دو بخش سه سده نخست است. بخش اول این است: جغرافیای خراسان در سه سده نخستین، از صفحه ۱ تا ۳۰۰. بخش دوم ادیان خراسان در سه سده نخست که ۳۰۰ سال می‌شود. کل عمر امام رضا(ع) ۶۰ سال می‌شود. ۲۴۰ سال دیگر ربطی به امام رضا(ع) ندارد که شما می‌گویید «ادیان خراسان در عصر امام رضا(ع)». مقدار زمانی هم که امام رضا(ع) در مشهد بودند، ۳-۴ سال است. عنوان گول زننده است. این نکته‌ای است که باید گفته شود: ادیان خراسان در سه سده نخست. آن مقداری که با امام رضا(ع) مرتبط است را بحث نکرده است. تیترها هم به همین صورت است. کتاب دو بخش دارد، بخش اول جغرافیای خراسان در سه سده نخست هجری، بخش دوم ادیان خراسان در سه سده نخست هجری. امام رضا(ع) در این ۳۰۰ سال، کجا قرار می‌گیرد؟ اول زرتشت، بعد یهودیت، بعد مسیحیت، بعد دین بودا و بعد... تمام می‌شود. به نظرم کار از این نظر که مستند است و کار جدیدی است، قابل قبول است. اما این مشکل جدی در عنوان کتاب وجود دارد. یکی کتاب «آستان قدس در دوران قاجار» است که آقای امیرزاده نوشته‌اند. از این دست کتابها جایش در آستان قدس، بنیاد کم است و زمینه هایش در آستان قدس زیاد است. براساس اسناد و مدارک آستان قدس، زیارت و زائران را در دوران قاجار گفته است. بعنوان مثال از ایران، از آذربایجان چه کسانی آمده‌اند، ثبت شده است، از هند چه کسانی آمده‌اند و چطور بوده‌اند، تازه مسلمان‌هایی که به زیارت امام رضا(ع) آمده‌اند، کار خیلی زیبا و میدانی است که براساس اسناد است. از این دست کارها جایش هست و مهم است و کارهای علمی قابل طرح برای جاهای دیگر است. عنوان‌های جالبی هم دارد: توجه پیدایش مشهد و زائران آن از آغاز تا دوره قاجار که مقدماتی است، سفرهای زیارتی زوار مشهد که عمومی است، بعد پراکندگی جغرافیایی زوار مشهد، آذربایجان، قفقاز، آسیای میانه، باکو، ایروان، نخجوان، افغانستان، شبه قاره، عرب و بعد جاهای مختلف، سن شناسی جمعیتی زائران مشهد، زائران پیاده، نومسلمان، دراویش و... و مراکز اقامتی که در دوره قاجار بوده است. همه هم براساس اسناد و مدارک خود آستان قدس است. بنظرم کار بسیار خوب و عالمانه است، متناسب با کار خود بنیاد است. کتاب دیگر «همراه با امام رضا(ع) از مدینه تا مرو» است که چاپ سوم است. چاپ اول هم قدیمی نیست. مسیر حرکت امام رضا(ع) را از مدینه تا مرو بر اساس اسناد تاریخی، نقشه،

بررسی کرده است. به نظرم کار جالبی است؛ از مدینه تا بصره، بصره تا یزد، یزد تا خراسان، بعد خود خراسان و آخر هم که ولایت عهدی امام است. در هر کدام هم نشانه‌ها و نقشه‌ها و چیزهایی که گفته شده، اقوال مختلف ذکر شده و تحلیل‌های خوبی هم دارد. بعنوان مثال در ابتدا، از مدینه تا بصره، مأموریت به مدینه هنگامی که رجاء ابن ابی ذهاب و یاسر خادم از سوی مأمون مأموریت... در قسمت پایین بحث کرده است که چه کسی امام رضا(ع) را آورد، دو نظر است. برخی گفته‌اند کسی که مأمور شد، عیسی بن یزید جلودی است، برخی گفته‌اند رجاء ابن ابی ذهاب و یاسر خادم است. تحلیل عقلایی نشان می‌دهد. می‌گوید عیسی ابن یزید کسی است که در مدینه غارتگری کرده است و به صورت طبیعی وقتی مأمون می‌خواهد امام را بیاورد، آدمی با این اشتها را نمی‌فرستد، بایستی آدم‌های موجه و قابل و قبولی را بفرستند. توجه به این نکات، وقتی می‌خواهیم متنی را تحلیل کنیم، محتوای آن می‌تواند معیار و شاخص برای ارزیابی درستی یا نادرستی متن باشد. از این دست تحلیل‌ها دارد. مدارک و منابع زیاد و فراوانی دیده است. این چهار کتابی بودند که به گمانم از این شش کتاب، به غیر از ایرادات جزئی که ذکر شد، قابل توجه بودند. «اثبات الهدی» مرحوم شیخ حر عاملی که قسمت امام رضا(ع) است. جداگانه چاپ شده و تصحیح و تحقیق دارد، چه کاری است که بنیاد دوباره انجام بدهد؟ مانند برخی کتابهای تصحیحی، کار خاصی هم انجام نداده است. قسمت امام رضا(ع) را از کتاب مرحوم شیخ حر عاملی جدا کرده‌اند و تحقیق و تصحیح کرده‌اند. کار اضافه‌ای ندارد، شان اینکه یک مجموعه بخواند به آن پردازد را به گمانم ندارد.

کتاب دیگر «اثر درمانی دعا و نیایش با تکیه بر صحیفه رضوی» است. تقریباً عمده کتاب صحیفه رضوی، ادعیه امام رضا(ع) جناب آقای ابطحی را جمع آوری کرده و عنوانش این است که «اثر درمانی دعا و نیایش» عمده کتاب این است. صفحات ۳۷ تا ۱۷۹، بریده بریده کردن دعاها و ترجمه کردن است. در آخر هم تحت عنوان اصطلاحات علمی، چند اصطلاح را توضیح می‌دهند؛ مسیر رفتار بهداشتی، اصول ضروری هوش اخلاقی، هوش معنوی، به گمانم این پایان نامه بوده است. از نوع پایان نامه‌هایی که خیلی زود می‌شود به انجام رساند. مقدمه هم، بحث دعا و رابطه نیایش و سلامت روانی است. متوجه نشدم که اثر درمانی دعا و نیایش را چگونه ایشان می‌خواسته بیان کند. نه محتوا می‌سازد، محتوا هم بخش عمده اش همان ادعیه امام رضا(ع) را تقطیع کردن و ترجمه کردن است، لذا در شان کارهای بنیاد نیست.

کتاب دیگر «امام رضا و فرقه‌های شیعه» است، که احتمال می‌دهم پایان نامه ارشد بوده که عمومی است. فرقه‌ها را ذکر می‌کند، اگر امام با کسی از آنها مباحثه یا احتجاجی داشته‌اند را به همراه اطلاعات جانبی آورده است. مطلب خاصی ندارد. عمومی است که باز هم متناسب با بنیاد نیست. کتاب «تحلیل زندگانی امام

رضاء(ع)» از اولین کتابهایی بوده که بنیاد چاپ کرده، کتاب مرحوم محمد جواد فضل الله. بنیاد سال ۶۳ تأسیس شده است و چاپ اول این کتاب سال ۶۵ است. از اولین کتابهای بنیاد بوده است که مطابق با آن زمان خوب بوده است. کتاب عمومی است. قبل از اینکه این کتاب ترجمه شود، سال ۱۹۷۵ میلادی، ۱۳۵۴، نویسنده فوت کردند. یازده سال بعد این کتاب در ایران ترجمه می‌شود. نه ارجاع و نه منبع دارد. شاید آن زمان این تفکیک‌هایی که گفتیم در آستان قدس نبود. اوائل انقلاب است. اما باید این کتاب را جزء کتابهای به نشر قرار بدهند. «زندگی و فضیلت‌های آل عبا در کلام امام رضا(ع)» به نظرم کتاب عمومی است. مطالبی که امام رضا(ع) در مورد آل عبا گفتند را جمع کرده و توضیح داده است. مستنداتی که در مورد امام رضا(ع) نوشته را جمع کرده است، اول اینکه سخنان امام رضا(ع) دسته بندی موضوعی شده، مرحوم آقای عطاردی سخنان امام رضا را در مسندات دسته بندی کرده، سوم خیلی از این مطالب در جاهای دیگر هم هست و ترجمه دارد، لذا ارتباطش با بنیاد قابل دفاع نیست. اینکه امام رضا(ع) در مورد امام علی(ع) چه فرموده را ترجمه کردند، البته ترجمه‌ها را آورده‌اند و متون عربی را ارجاع داده‌اند، درباره فداک گفتند، درباره شهادت امام علی(ع)، خمسۀ آل عبا، ایشان سخنانی را گردآوری کرده و جمع شده. آخرین کتاب، کتاب مفصلی است که برای من بعضی مجلداتش را فرستادند. این کتاب ۸ جلد است که من ۵ جلد آن را دارم. جلد اول را نفرستاده بودند، که بینم مقدمه چیست و هدف نویسنده از این کتاب چه بوده است. عنوان کتاب «فقه و احادیث الامام الرضا(ع) و ابنائهم کرام» است. در این کتاب، روایات فقهی امام رضا(ع) و فرزندانشان تا امام زمان(عج) جمع آوری شده، بر اساس کتابهای فقهی تنظیم شده و توضیحاتی هم دارد. همانطور که گفتم، گردآوری روایات، مرحوم آقای عطاردی آورده‌اند، ایشان اعتقادات و ادعیه و فقه را تفکیک کرده‌اند. از امام رضا(ع) تا آخر هم آقای عطاردی گفته‌اند. ایشان فرمودند که من غیر از جمع آوری و تحقیق چند کار دیگر هم انجام داده ام، یکی اینکه راجع به سند اظهار نظر داده‌اند، دوم اینکه اگر علما راجع به این حدیث اظهار نظری داشته‌اند، آورده ام، و بعد هم تحت عنوان فقه الحدیث بحث‌هایی کرده‌اند. به گمانم طوری که طراحی شده، اتفاق نیفتاده است و به اصطلاح خیلی ابتکار به خرج نداده‌اند. آدم احساس نمی‌کند که ۸ جلد، ۱۰ جلد کتاب چه خلایق را می‌خواهد پُر کند. بعنوان مثال در بحث‌های فقه الحدیثی کلماتی را که در مقدمه گفته‌اند، بنا بوده فقها راجع به این حدیث داشته‌اند، بیاورند، اما غالباً کلمات عام فقها در موضوع است و ارتباط با حدیث ندارد. سخنان فقهایی که آمده، شرح روایت امام رضا(ع) نیست. کلمات، دیدگاه‌هایی است که فقها در آن موضوع در فقه دارند. این ارتباطی با این روایت پیدا نمی‌کند. در قسمتی که بین سند حدیث و فقه الحدیث، جملاتی را نقل کرده‌اند، این جملاتی هم که نقل کرده‌اند، فقه الحدیث است، مسند آن حدیث

را علامه مجلسی شرح کرده است یا جمله را شرح کرده یا ترکیب را شرح کرده، آن هم در بحث‌های فقه الحدیث است.

پس در ابتدا آدم این احساس را نمی‌کند که این کار یک خلاء پژوهشی و یک نیاز علمی را از محققان برطرف کند. از نظر نظم و ترتیب هم همینطور است. راجع به سند هم گاهی اوقات همینطور است که اظهار نظر کردند که ضعیف است یا صحیح است، کلماتی که علامه مجلسی در مرآة العقول یا در کتاب الاعتبار آمده، همان‌ها را نقل کرده‌اند و خودشان وارد بحث نشده‌اند. این است که متوجه نشدم که این کتاب با این حجم و چاپ درصدد بوده که چه نیازی را از محققان حل کند. نکته آخر کلی هم این است که به گمانم برای کار پژوهشی در حوزه امام رضا(ع) بنیاد مقداری که به ذهنم رسیده، کارهای خیلی خوبی را می‌تواند انجام دهد که برای پژوهش‌ها محور باشد.

بخش سیره‌های مربوط به آستان قدس است. آستان قدس خیلی زمینه‌های خلاء دارد. به لحاظ تعلق خاطر، در دانشگاه ادیان در گروه مطالعات زنان درسی داشتم. خانمی بود که می‌گفت من خادم افتخاری هستم. گفتم خیلی خوب است که شما خانم هستید آنجا خادم افتخاری هستید، رساله دکترای تان را در بخش زنان در آستان قدس، از اول که آستان قدس بنیان شد، جایگاه زنان به عنوان خادم، کشیک و... چه گونه بوده است. برای مردها اسم و رسم و سهمیه دارد، سهمیه قبر دارند که به فرزندانشان می‌رسد. آیا زنان در این مجموعه جایگاهی دارند؟ ندارند. این رساله دکترای خیلی خوبی می‌شود. زمانی که جناب رئیسی در تولیت بودند. خانم‌شان هم در آنجا هستند و خودشان هم دانشگاهی هستند. خیلی خوب ایشان می‌توانند به عنوان استاد راهنمای شما باشند و کارتان را انجام بدهید. از این دست کارها، کارهای خیلی عالمانه و خوب است که جایش هم خالی است.

در بحث تولیت‌ها ندیدم که کارهای خوبی انجام شده باشد. اینها مربوط به امام رضا(ع) می‌باشند. یا مناسبی که تقسیم شده است، تطورات جغرافیایی حرم و آستان قدس، کتابی که بنیاد از خارجی‌ها راجع به جغرافیای خراسان چقدر اطلاعات دقیق دارد. در بخش طرق مصلاهی هست که مخروبه است، از انگلیس آمده‌اند و آنجا را وجب به وجب اندازه گرفته‌اند و ماندگار است. ما خودمان از آستان قدس و تطورات تاریخی اش هیچ اطلاعاتی نداریم. کارهای این سنخی در زمینه پژوهش جایش خالی است. در زمینه پژوهش‌های حدیثی، کارهای خیلی جدی‌ای می‌شود انجام داد. بحث تاریخ گذاری روایات امام رضا، تقطیع‌هایی که در روایات امام رضا(ع) صورت گرفته، چقدر از اینها به یک سند برمی‌گردد، بحث‌های نقل به معنا وجود دارد، که

می‌تواند الگوی روایات سایر ائمه باشد، بحثی که راجع به اهل سنت بود، راجع به مستشرق ها، امام رضا(ع) در نوشته‌های مستشوق ها، غربی ها، تحلیل و ترجمه شود. کارهای میدانی راجع به زیارت؛ چیزی نداریم. زائرانی که آمدند و رفتند، چه چیزهایی در آنها صورت گرفته است، با چه خواسته‌ها و نیازهایی می‌آیند و چطور برمی‌گردند؟ چه اتفاقاتی در درونشان می‌افتد؟ این کارهای جامع شناسی دینی، روان شناسی دینی که می‌شود از تخصص‌های مختلف بهره گرفت و کارهای فرهنگی است که بنظرم جزء پژوهش‌هایی است که جایش خالی است. جناب آقای دکتر راد که به آن مجموعه ملحق شدند و جناب آقای مرویان که افراد خوش فکر و دغدغه دار هستند از این دست کارها را می‌توانند در دستور کار قرار بدهند.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

از جناب استاد، دکتر مهریزی متشکریم. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس ثلث قرن، فعالیت‌های پژوهشی داشته است. این نشست نقد و بررسی کارنامه نشر آستان قدس رضوی در موضوع امام رضا(ع) بود که از بیانات اساتید بزرگوار استفاده کردیم.

سوال بنده این است: ثلث قرن پژوهش در حوزه های گوناگون در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی اتفاق افتاده است. در این بین، آثار در موضوع امام رضا(ع) را در بنیاد چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بنابراین لطفاً کارنامه نشر بنیاد را با موضوع امام رضا(ع) در یک جمع بندی ارزیابی بفرمایید ممنون می‌شویم.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی مهدوی راد

کار امام رضا(ع) فقط کار بنیاد در آستان قدس رضوی نیست. بنظرم یکی از بهترین وجدی ترین کارهایی که در آستان قدس رضوی اتفاق افتاد و متأسفانه به خاطر ویژگی خاص مشهد و امام رضا(ع) آقایان مجبور شدند تعطیل کنند، کنگره امام رضا(ع) بود. نتیجتاً مرحوم آقای طبسی مجبور شد که تعطیل کند. سال آخر که من آنجا مقاله داشتم، که مربوط به امام موسی ابن جعفر(ع) شده بود، چون هدف اصلی طراحی کنگره جهانی امام رضا(ع) این بود که حضرت رضا(ع) که بحثش تمام شده بود آباء برود و بعد سراغ ابنا بروند. و اگر این اتفاق می‌افتاد، اتفاق مهم و میمونی بود. آن سالی که من بودم، دبیر کنگره گفتند که ۳۶ مقاله خوب و قابل عرضه بود که چون تشکیلات تعطیل شد، مقالات هم چاپ نشد، و ۷۰۰ مهمان داشتند. ۳۶۰ غیر خراسانی و با اهالی خراسان ۷۰۰ مهمان با ۳۶ مقاله داشتند. لذا مجبور شدند که تعطیل کنند. آن زمان طرح‌هایی هم بود. من طرحی نوشتم که شما کنگره را فیزیکی و جسمی و علمایی برگزار نکنید، اعلام کنید،

منابع بدهید و پول هم بدهید و بگویید که بنویسند و جلسه نگذارید. در سال آخر که خدمت آقای طبسی بودیم، گفتند یکی از علمای بزرگ تهران خبردار شده بودند و به ما زنگ زدند و گفتند که کنگره می‌گذارید و ما را دعوت نمی‌کنید، ما هم مجبور شدیم دعوت کنیم. بنظر من آن مجموعه‌ها، یکی از بهترین مجموعه‌ها در حوزه مطالعات امام رضا(ع) است. امام کاظم(ع) که یکسال یا دو سال چاپ شد که شاید ۱۰-۱۲ جلد باشد. اما آنکه مربوط به امام رضا(ع) است که حدود سی یا سی و خُرده‌ای جلد است، از ابعاد مختلف، بحث‌های بسیار خوبی شده است. شما شخصیت درجه یکی را در ایران نمی‌دیدید که باشد و آنجا مقاله نداده باشد. مقالات خیلی سنگینی بود. یکی از علما، زمانی به من می‌گفتند که دربارهٔ گفت و گوی امام رضا(ع) با ادیان هرچه گشتم غیر از مقالهٔ مرحوم حاج محمد تقی جعفری در همان کنگره، حرف حسابی دیگری پیدا نکردم. این کار خیلی مهمی دربارهٔ امام رضا(ع) است که اتفاق افتاد و برای آستان قدس است. آن زمان هنوز بنیاد تأسیس نشده بود. کارهای دیگری هم شده است، اما آنقدری که من می‌دانم و خوانده‌ام، صادقانه بخواهیم میراث مکتوب بنیاد را دربارهٔ امام رضا(ع) بررسی کنیم، قطعاً مطلوب نیست. براساس نیازهایی که وجود داشته، کارهایی را انجام داده‌اند. بنیاد هم اساسنامه اش این نیست که برای امام رضا(ع) کار کند. زمانی کارهای پراکندهٔ خیلی زیادی هم داشت، آقای خامنه‌ای آنجا رفته بودند و گفتند که خاکشناسی و زمین‌شناسی چه ربطی به شما دارد؟ آن‌ها هم هرچه را که می‌شد کلمهٔ اسلامی به آن بچسبانند، این کار را کرده بودند و بقیه را تعطیل کرده بودند؛ زمین‌شناسی اسلامی و... حال خیل از این مسائل حل شد. بنا شده بود که برای فرهنگ بما هو فرهنگ کار کند. بارها که گاهی می‌رفتیم، گفته‌ام که بنظرم بنیاد پژوهش‌ها از یک شورای مشورتی کارآمد به روز فرهنگ شناس برخوردار نیست و این یک ضرورت است. اینها کتابهایی به عربی و انگلیسی هم ترجمه کردند؛ بعضی‌هایش کارهای خوبی است. زمانی کاری را از جای اسم و رسم داری برای ترجمه پیشنهاد کرده بودند و بنا بود که مشاوره بخشی را برعهده داشته باشم، وقتی آقای الهی به من دادند گفتم من نسخهٔ فارسی این کتاب را به دقت خوانده‌ام، اگر می‌خواهید آبروی شیعه را ببرید این کتاب را ترجمه کنید. ظاهراً بعدها هم ترجمه شد و چاپ نشد. به هر حال از جای اسم و رسم داری پیشنهاد کرده بودند و آنجا هم نمی‌توانستند نه بگویند، به یک مجموعهٔ مشورتی نیاز دارد که کار را برای کار و شان بنیاد و جایگاه بنیاد ببیند.

این کتابهایی که امروز صحبت شد، بهترین‌های امام رضا(ع) بود. اما واقعیت این است که هدف بنیاد، تنها این نیست. بنیاد کار خوب کم ندارد. اما کارهای عمومی هم دارد. من نمی‌دانستم که مرحوم اتابکی خطط را ترجمه کرده است. سال‌ها بعد از فوت ایشان، امسال چاپ شد. اتابکی از مترجمان درجه یک کشور بود و این

کتاب هم در تاریخ اسلام، کتاب درجه یکی است. این کارهای مهمی است که بنیاد انجام داده است. بنظرم بنیاد و بعضی از جاهای دیگر، باید کارهایی را انجام بدهند که جاهای دیگر نمی‌توانند انجام بدهند. به صورت خاص، تفاوتی وجود داشته باشد. گاهی کتابی داریم که شاید فعلاً اگر چاپ شود، ۱۰۰ یا ۲۰۰ نسخه چاپ شود، اما همان تعداد تحولی ایجاد کند که منجر به ۲۰۰۰ شود. این کارها را باید بنیاد که امکانات مالی دارد انجام دهد. اما انجام نمی‌دهند. چندین و چند مرتبه از طریق دوستان بنیاد با من تماس گرفتند که چرا کتابهای ما را در ارشاد نمی‌خرند. بنیاد نباید به فکر این مسائل باشد. تولید و غیرتولید باید بدانند که بنیاد که این همه امکانات دارد، بخشی از آن هم فرهنگ است. باید از اهل کتاب، کتابدان و علاقه‌مندان به تمدن و فرهنگ دینی در همین حدی هم که بنیاد کرده را قدردانی و تشکر کنند. کاری که مرحوم آقای واعظ زاده انجام می‌دادند، کار خیلی مهمی است. با اینکه معجم کتاب بسیار تخصصی است، جلدهای اولش از چاپ سوم هم گذشته است. پشتوانه بسیار مهمی برای مطالعات قرآنی است.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مهدی مهریزی

اگر در یک جمله بخواهم فرمایشات ایشان را تکمیل کنم؛ راجع به امام رضا(ع) اگر نسبت را همین قرار بدهیم. یعنی من ۱۰ کتاب داشتم، غیر از مکررات، ۱۵ کتاب، از این ۱۵ کتاب ۲ کتاب مشترک بود، این نسبت، نسبت کمتر از یک سوم می‌شود که به تعبیر ایشان غیرقابل قبول است. من هم یک نکته کلی به غیر از نکته قبلی ذکر کنم، سازمان‌هایی که مرکز پژوهشی دارند، مرکز پژوهشی نباید کارهای پژوهشی که جاهای دیگر انجام می‌دهند را انجام دهد. حوزه علمیه، سازمان ائمه جمعه، سازمان حج و زیارت، معاونت پژوهشی دارد. معاونت پژوهشی سازمان حج و زیارت راجع به زیارت، حج، آداب دعا می‌نویسد. خُب این مطالب را جاهای دیگر می‌نویسند. بایستی معاونت پژوهشی سازمان حج مشکلات حج را پژوهش کند. شاید دوستان هم حتماً مشرف شده‌اند، یکبار که مشرف بودیم مرکز سازمان پژوهش حج مکه رفتیم. آنجا یک ساختمان ۴ طبقه قدیمی بود که در این زمان حج، دانشگاه تعطیل است و دانشجویان در میان حجاج هستند. خروجی هایشان مشکلاتی است که حجاج دارند. بعنوان مثال ترافیک، بیماری‌های مسری در منا، فلان مسئله در فلان مکان، یکی از دلایلی که حاجیان سال بعد مشرف می‌شوند و می‌بینند که مشکلات سال قبل وجود ندارد این است که پژوهش سازمان حج بایستی مشکلات خودش را داشته باشد. اما ما ۳۰ سال تا زمانی که فرودگاه مهرآباد بود، می‌دانستند هر هواپیما که می‌آید ۵۰۰ نفر است. هر حاجی هم ۳-۴ چمدان دارد و جمعاً ۱۵۰۰ چمدان می‌شود. این نوار نقاله برای پروازهای عادی است و همیشه دعوا رخ می‌داد و این ۳۰ سال هم ادامه داشت. کسانی که مکرر رفته‌اند این موضوع را دیده‌اند. یا اینکه زمانی ستاد نماز جمعه به

دفتر سازمان تبلیغات آمده بودند، زمانی که مسئول دفتر مطالعات بوم و آقای تقوی بودند، گفتند می‌خواهیم کار پژوهشی انجام دهیم، چه کنیم؟ گفتم راجع به آداب و فضیلت نماز جمعه، کاری انجام ندهید. به قم بیایید و دفتر تبلیغات هست. مشکلات نیامدن مردم به نماز جمعه چیست؟ ائمه جمعه ما چه مشکلاتی دارند؟ چقدر صحبت کنند خوب است؟ دقیقه هایشان چقدر باشد؟ مطالب پژوهش ائمه جمعه باید این موضوعات باشد. بنیاد پژوهش‌ها، بخشی از پژوهش‌هایش باید خود آستان قدس و زائر و مسائلش باشد و اینها را مورد پژوهش قرار دهد. نه اینکه کارهایی را انجام بدهند که مشترک است. مراکز زیادی در قم هستند که کتاب تصحیح می‌کنند، رساله می‌نویسند، کار می‌کنند، به خصوص اینکه هیئت علمی دارند، افراد موظف دارند، مقررۀ ثابت دارند. به نظر من این عام است و مختص به امام رضا(ع) نیست. خوب است که بنیاد بخشی از کارهایش متوجه این دستگاه باعظمت، مشکلاتش و نیازمندی‌هایش و چیزهایی که باید در آینده صورت بگیرد، توسعه و تعمیقش باشد. زمان تولیت جناب آقای رئیسی، یکساعت خدمتشان بودم. گفتم واقعاً شما پژوهشی انجام دادید که زائرینی که به مشهد می‌آیند، موقع برگشت چقدر از نظر اخلاقی، فکری و معرفتی تفاوت کرده‌اند؟ و چطور می‌شود این کار را انجام داد. برایشان مثال زدیم و گفتم موقعی که در حج جناب آقای ری شهری سرپرست بودند، گفتم چطور است که وقتی زائران ما می‌روند نسبت به زمانی که می‌بر می‌گردند، مؤدب‌تر هستند. خروجی باید بهتر باشد، پس مشکل کار کجاست؟

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

از نقد به جا و منصفانه هر دو استاد بزرگوار خیلی متشکریم. مطالب منتقل هم خواهد شد. حاضران اگر سوالی دارند، بفرمایند.

یکی از حاضران

بسم الله الرحمن الرحيم. خیلی از مطالب استفاده کردیم. خیلی مختصر و مفید و عمیق به موضوعات پرداختید. سوالی که داشتم این است که بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، چقدر در حوزه علوم انسانی جدید وارد شده است؟ و اگر وارد نشده است، چقدر نیاز است که وارد شود؟

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی مهدوی راد

اینجانب معتقدم قسمت قابل توجهی از بحث‌های علوم نظری برای جاهای دیگر مقدور نیست و این جاها باید انجام دهند. پژوهش‌هایی که نسبت به اینجا می‌شود، برای جاهای دیگر هم می‌شود. یک پژوهش

دقیق، از همین موضوعاتی که فرمودید، ما ۳۰-۴۰ سال است که این شعارها را می‌دهیم. چرا موفق نبودیم؟ چرا هیچ اتفاقی نیفتاده است؟ بنیاد و هرجایی مانند بنیاد که امکانات و پشتوانه‌ای دارد که نباید نگران بازگشتش باشد. در همین دفتر تبلیغات در شورای گزینش کتاب برای بوستان کتاب یک ماده‌ای که عمل می‌کردیم این بود که اگر کتابی می‌آید و برای حوزه مفید باشد، اما اگر چاپ شود خرج خودش را که در نمی‌آورد، باید رویش چیزی هم بگذارند. چون بنا بود بوستان خودگردان شود، آن شورا به هیئت مدیره پیشنهاد میکرد که این کتاب را با بودجه خاص چاپ کنند که بوستان رویش بودجه نگذارد. مانند جامع الروات مرحوم اردبیلی را که اینگونه چاپ کردند. برای تمام طلبه‌هایی که می‌خواهند به درس خارج بروند، این کتاب لازم است و باید هم ارزان چاپ شود. اما جای دیگری چاپ نمی‌کند. این مراکز باید کارهای این چنینی انجام بدهند و قطعاً به بحث‌های علوم انسانی که فرمودید وارد شوند. اما مهم این است که چطور باید وارد و خارج شد؟ خیلی فضا ایجاد کردیم و حرف زدیم. آن سالی که آقای خامنه‌ای آمدند و نمایشگاه مشکات بود، جلوی غرفه کارهای فرزندان آقای محمودی رفتند، یک پژوهشی دارند که وقتی آقا ورق زدند گفتند حتماً حتماً هرچه زودتر این چاپ شود و نسخه دیجیتالی اش هم نشر شود. ایشان یک دلیل الرجالی دارند که ۴۰ سال است برایشان کار می‌کنند. ایشان فرمودند، ما چند جا بردیم و پیشنهاد کردیم، نشد که نشد. هیچ بخش خصوصی‌ای چنین کارهایی را نمی‌توانند انجام بدهند. بنیاد باید این کارها را انجام بدهند. اخیراً و مشخصاً همین را برای آقای مروی نوشتیم. شما به عنوان یک طلبه نیازمند به این پژوهش شاید هم بگویید من هم این کار را انجام می‌دهم. اما اول باید این منفاها را بگذارند تا استفاده کنند. اما چگونگی آن با کرام الکاتبین است.

یکی از حاضران

می‌خواستم به نظر هر دو استاد، انتقاداتی که گفته شد، یکسری انتقادات ساختاری است. به دلیل ارتباطاتی که بنیاد دارد، مجبور است کتابهایی را چاپ کند. به نظرتان این انتقادات قابل رفع شدن هستند؟

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مهدوی راد

چرا نباشد؟ از علما و قدیمیان بگوییم، زمانی یک نهادی بود که در آن زمان‌ها حدود ۳۸ سال ادامه پیدا کرد. در آن زمان ۴ مسئول عوض شد، اما روند کار هیچ عوض نشد. یعنی چه؟ یعنی چهارچوب مشخص، چشم‌انداز مشخص داشتند. هرکس که می‌آمد همان را ادامه می‌داد. ما در همه مراکز خیلی مهم مان، بعدی که می‌آید، برنامه بعدی را از سر نمی‌گیرد. همت و عظم لازم است.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مهدی مهریزی

راجع به سوال اول، بخش اول را که نمی‌دانم. در بخش دوم معتقدم که بنیاد بایستی از علوم انسانی جدید برای اهداف خودش استفاده کند، نه اینکه خودش وارد شود. بنیاد نمی‌خواهد همکار حوزه و دانشگاه شود، بنیاد نمی‌خواهد جای پژوهشگاه علوم انسانی باشد، نمی‌خواهد پژوهشگاه دفتر تبلیغات باشد، می‌گوییم که از اینها استفاده شود. اگر آنجا جامعه شناسی و روان شناسی گروه دارد، از آن دانش‌ها و تخصص‌ها استفاده شود که ما بخش زیارت و رفت و آمد و کارهایی که مربوط به آستان قدس است، در آنها استفاده کنیم. نه اینکه مستقلاً رابطه جامعه شناسی، اقتصاد اسلامی یا روان شناسی اسلامی داشته باشیم. این را متناسب با آن نمی‌دانم. در آن قسمتی هم که ایشان فرمودند مثال عینی بزنم. این کتاب المعجم الالفاظ الحدیث النبوی که در هلند چاپ شد، ۹ کتاب اهل سنت را، اولین کتابی بود که برایش یک معجم لفظی درست کردند. حال این خارجی‌ها نه مسلمان هستند و نه عرب، ان قدر این کتاب دقیق است که شاید نشود در آن غلط پیدا کرد. آن قدر ریشه‌ها را درست پیدا کرده‌اند، کتاب رحلی بلند است. براساس آن در ایران کتاب معجم تولید شد. این کتاب ۵۰ سال طول می‌کشد. چندین مدیر عوض می‌شود و هیچ چیزی تغییر نمی‌کند. آخرین جلدش هم آخرین مدیر می‌نویسد که کار از کجا شروع شد و روند چطور ادامه پیدا می‌کند. یعنی استراتژی کار مشخص است. اگر بر مراکز پژوهشی و غیرپژوهشی سیاست‌های کلانی حاکم باشد، ممکن است که تاکتیک‌ها به لحاظ شرایط و زمان عوض شود، اما اصول ثابت می‌ماند. لذا پیشنهادی که عرض کردم، اول اینکه آستان قدس ۴ نهادی که خروجی کتاب دارد، باید کارشان و اهدافشان با هم مشخص شود که با هم تداخل پیدا نکنند. دوم شورای علمی متناسب داشته باشد. سوم اینکه در بنیاد به خصوص پژوهش مربوط به مجموعه باشد نه کارهایی که در جاهای دیگر انجام می‌شود، به گمانم خیلی اوضاع بهتر خواهد بود.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل هادی منش

از حضور اساتید محترم خیلی متشکریم. استفاده کامل بردیم. ان شاءالله روز یکشنبه سومین همایش سیره امام رضا(ع)، آموزه‌ها و کارکردها در مؤسسه امام خمینی(ره) با حضور اساتید بلندپایه حوزه و دانشگاه برگزار می‌شود که دارای سه میز گرد علمی سیره مدیریتی امام رضا(ع)، سیره امام رضا(ع) در تبیین حکمت شیعی و میراث و آموزه‌های فقهی امام رضا(ع) است. همینجا از شما شرکت کنندگان محترم دعوت می‌کنیم که در

این برنامه، روز یکشنبه صبح از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰ حضور پیدا کنند. با ذکر صلواتی جلسه را به اتمام می‌رسانیم.